

## نگاهی تطبیقی به کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرایم علیه محیط‌زیست

احمد طلوعی مقدم<sup>۱</sup>، هما داودی گرمارودی<sup>۲</sup>✉

## چکیده

**زمینه و هدف:** هدف تحقیق حاضر، بررسی تطبیقی کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرایم زیست محیطی است. حفظ محیط‌زیست و توجه به مسائل زیست محیطی یکی از موضوع‌های مهم جهانی و دغدغه برانگیز بشر معاصر و مدافعان حقوق بشر است. اما امروزه متأسفانه جرایمی علیه محیط‌زیست گسترش یافته است. در تعریف این جرایم می‌توان گفت، جرایم علیه محیط‌زیست به اقداماتی که تحت شرایطی خاص، سبب آلودگی یا از بین رفتن و یا آسیب به مظاهر محیط‌زیست گردند، اطلاق می‌گردد. با توجه به اهمیت و جایگاه محیط‌زیست در سلامتی بشر و ارتباط مستقیم با یکدیگر، ضرورت پیشگیری از این جرایم را بیش از پیش نمایان می‌سازد، اغلب کشورها اقدامات خاصی را در این مورد به اجرا می‌گذارند.

**روش‌شناسی:** روش انجام تحقیق با توجه به ماهیت موضوع، اهداف و شیوه گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای و به صورت توصیفی-تحلیلی است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، یکی از این ظرفیت‌ها ابزار قانونگذاری است و دیگری می‌تواند استفاده از سمن‌ها یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد باشد که می‌تواند از طریق رسمیت بخشیدن به عملکرد سازمان‌های مردم‌نهار نقش هر چه بیشتر آن را در پیشبرد اهداف عالی خود داشته باشد. از نقش‌های مهم سمن‌ها در قبال حفظ محیط‌زیست پیشگیری از وقوع جرم‌های زیست محیطی است. از طریق آگاهی افکار عمومی و امر به معروف و نهی از منکر از این طریق است که خوشبختانه قانونگذار در قانون آیین دادرسی جدید به اهمیت سمن‌ها واقف شده و از نقش آن‌ها سخن گفته است.

**واژگان کلیدی:** جرم، محیط‌زیست، پیشگیری، مشارکت، سمن.

\* استناددهی (APA): طلوعی مقدم، احمد؛ داودی گرمارودی، هما (۱۴۰۰). **نگاهی تطبیقی به کارکرد سمن‌ها در پیشگیری از جرایم علیه محیط‌زیست**. تحقیقات حقوقی آزاد. ۱۴ (۵۲): ۴۱-۲۱. قابل بازیابی از: [http://alr.iauctb.ac.ir/article\\_685402.html](http://alr.iauctb.ac.ir/article_685402.html)

\* دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران.

رایانامه: ahmad.tolouie@gmail.com

\*\* استادیار گروه حقوق، واحد کرج، دانشگاه آزاد اسلامی، کرج، ایران. نویسنده مسئول.

رایانامه: homa\_nama@yahoo.com



## مقدمه

خسارت‌های بی‌شماری که به محیط‌زیست وارد شده موجب شده دولت از تمام ظرفیت‌ها برای حفظ محیط‌زیست استفاده کند. یکی از این ظرفیت‌ها استفاده از سمن‌ها یا همان سازمان‌های مردم‌نهاد باشد که می‌تواند از طریق رسمیت بخشیدن به عملکرد سازمان‌های مردم‌نهار نقش هر چه بیشتر آن را در پیشبرد اهداف عالی خود داشته باشد. از نقش‌های مهمی که سمن‌ها در قبال حفظ محیط‌زیست بر عهده دارند، پیشگیری از وقوع جرم‌های زیست‌محیطی است.

امروزه سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان سازمان‌های غیررسمی در هر نظام اجتماعی با هدف جلب مشارکت مردم در تعیین سرنوشت خود می‌توانند نقش مؤثری در مدیریت جرایم ایفا کرده و جایگاه ویژه‌ای در ارتقای سطح آگاهی عمومی و توسعه نیروی انسانی داشته باشند. در حال حاضر ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی، از طریق نهادها و سازمان‌هایی صورت می‌گیرد که به سازمان‌های مردم‌نهاد معروف شده‌اند. در زبان فارسی این سازمان‌ها به اختصار «سمن» نامیده می‌شوند که به صورت داوطلبانه، غیرانتفاعی و بدون وابستگی به دولت با تشکیلات و سازمان‌دهی مشخص در جهت اهداف و موضوعات تعیین شده فعالیت می‌کنند. این اهداف می‌تواند حول موضوعات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، آموزشی یا امور خیریه باشد (گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۲۰).

سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی می‌توانند با هدف اصلی خود تعریف شوند. برخی از این سازمان‌ها، عملیاتی هستند به این معنی که هدف اصلی آن‌ها حمایت از سازمان‌های جامعه در داخل کشور از طریق پروژه‌ها و عملیات‌های مختلف است.

سازمان مردم‌نهاد بین‌المللی یک سازمان بین‌المللی غیرانتفاعی و غیردولتی است. مشخصه آن، یک سازمان ایده آل قوی برای کمک به توسعه کلی هر کشوری، به ویژه آن دسته از کشورهای است که ممکن است از لحاظ اجتماعی و اقتصادی توسعه نیافته و برای پیشبرد خواسته‌های اجتماعی و اقتصادی شهروندان باشد. اقدامات این سازمان بر ارتقا و حمایت از حقوق بشر و حقوق مدنی، رشد اقتصادی، پیشگیری از مواد مخدر و جرایم و همچنین جرایم زیست‌محیطی و همچنین حفظ فرهنگ‌های چند قومی در سراسر جهان، مانند سازمان شفافیت بین‌المللی برای مبارزه با فساد در سازمان‌ها متمرکز است.

واضح است، جلب مشارکت سایر سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی برای پیشگیری از وقوع جرایم و برقراری نظم و امنیت مطلوب در جامعه امروزی امری لازم و چه بسا ضروری است. مشارکت، مبتنی بر حضور اجتماعی و تعامل میان مردم بوده و پلیس و نهادهای امنیتی به عنوان متولیان امنیت و بازوان اجرایی هر دولت و کشوری برای تأمین و استقرار امنیت، باید بیشترین ارتباط و تعامل را با شهروندان، نهادها و سازمان‌ها در کشور داشته باشد. در این میان

آنچه به مشارکت پلیس با مردم و سایر نهادهای دولتی و غیردولتی مربوط می‌شود، بازشناسی این ارتباط و تعامل و پژوهش پیرامون این مسأله به منظور هرچه بهتر ساختن این ارتباط و مشارکت بیشتر پلیس و مردم است.

اهمیت این موضوع در نگاه تیزبین قانونگذار آن قدر بالا بوده که یکی از اصول قانون اساسی مستقلاً و به طور جداگانه به این موضوع اختصاص یافته است؛ به طوری که مقنن در اصل ۵۰ قانون اساسی حفظ و حراست از محیط‌زیست را وظیفه نهادهای دولتی و مردم نهاد و تک تک مردم دانسته است. مقنن در پیشگیری از جرم در جرایم زیست‌محیطی برابر ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، حق اعلام جرم را نیز به سازمان‌های مردم نهاد داده است. هرچند که این موضوع به عنوان تکلیفی بر گردن سازمان‌های مردم نهاد نیست، اما این حق را دارند که اعلام جرم نمایند. اختیار دیگری که مقنن به سمن‌ها می‌دهد این است که علاوه بر حق اعلام جرم این حق را نیز دارند که در تمام مراحل دادرسی، جهت اقامه دلیل، شرکت کنند و حتی نسبت به آرای مراجع قضایی نیز اعتراض نمایند که این امر نقش و حضور فعال سازمان‌ها و تشکل‌های مردمی را در جهت اعمال حق خویش دو چندان می‌کند.

سمن‌ها می‌توانند در مرحله پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی از طرق مختلف نظیر ایجاد کارگاه و جلسات آشنایی با محیط‌زیست و نحوه حفاظت از آن‌ها به حساس‌سازی افکار عمومی نسبت به اتفاق‌های مربوط به محیط‌زیست و در صورت لزوم اطلاع‌رسانی از طریق رسانه‌ها و پیگیری از طریق مراجع قضایی اقدامات شایانی را ایفا کنند. یافتن پاسخ این سؤال هدف این تحقیق است که اصولاً سمن‌ها به چه نحوی می‌توانند در پیشگیری از جرایم علیه محیط‌زیست نقش داشته باشند و اینکه این نقش به چه طریقی صورت می‌پذیرد.

## ۱. مبانی شکل‌گیری سمن‌ها

سمن‌ها، شامل افرادی هم هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی است که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده‌اند. بدیهی است که استفاده از ظرفیت‌های مثبت چنین گروه‌هایی می‌تواند بازوی تصمیم‌ساز مناسبی برای فعالیت‌های منجر به ارتقای سلامت مالی و اداری باشد که هدف آن تغییر رفتارهای نابهنجار است. مهمترین مبانی تشکیل سمن‌ها به قرار زیر است:

### ۱-۱. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی<sup>۱</sup> مفهومی تازه از مبارزه با جرم است. در دوره معاصر رشد روزافزون پدیده مجرمانه، همراه با ظهور اشکال و حجم‌های نوین و متنوع بزه و بزهکاری، بحران ناتوانی و

1. criminal policy, crime control policy

ناکارآمدی و عدم موفقیت نظام عدالت کیفری در به کارگیری صرف ضمانت اجرای کیفری در زمینه پیشگیری از وقوع جرم و مقابله با بزهکاری و اصلاح بزهکاران، لزوم افزایش و تقویت عملکرد برنامه‌های سیاست جنایی و سایر عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جرم‌شناختی باعث جلب توجه به واقعیت مشارکت جامعه مدنی در برنامه‌های سیاست جنایی شده است و گرایش جدیدی از سیاست جنایی بر پایه مشارکت هر چه وسیع‌تر و فعال ارکان جامعه مدنی اعم از بزهکار، بزه‌دیده و به ویژه مردم در مراحل مختلف تدوین و اجرای سیاست جنایی، خصوصاً در مرحله اجرای آن؛ یعنی مرحله پیشگیری از وقوع جرم و مرحله واکنش به پدیده مجرمانه در دیدگاه‌ها و آموزه‌های کیفری را مطرح نموده است که از آن به عنوان «سیاست جنایی مشارکتی» نام برده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

این راهبرد سیاست جنایی، بیانگر مشارکت مردم و نهادهای غیررسمی و غیردولتی چه در امر پیشگیری از جرم و چه در واکنش نسبت به جرایم و انحرافات اجتماعی است و هدف مهم آن، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد (جمشیدی، ۱۳۹۰: ۲۴).

شرکت دادن جامعه مدنی به خصوص مردم در این پروسه، صرف‌نظر از نشان دادن کارایی مردم در این عرصه، خود به این معناست که پیشگیری و حتی تأمین امنیت به این گروه از جامعه نیز بر می‌گردد. به عبارت دیگر برای تحقق یک سیاست جنایی واحد در سطح کلان، نه تنها مشارکت طیف گسترده‌ای از کنشگران این عرصه را نیاز دارد، بلکه نوعی هماهنگی و انسجام در بین تمامی ارکان فوق‌الذکر را می‌طلبد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰۹-۱۱۰).

هدف مهم سیاست جنایی مشارکتی در جرایم علیه محیط‌زیست، تضمین حق امنیت جامعه با ترکیب هوشمندانه پیشگیری و پاسخ‌دهی و بازپذیری اجتماعی بزهکاران است. در واقع تأمین امنیت به عنوان نتیجه مبارزه با پدیده مجرمانه، خود هدف عمده‌ای است که با مشارکت مردم تحقق می‌یابد و از آنجا که پیشگیری و امنیت دو مقوله تفکیک‌ناپذیرند، از این رو سیاست جنایی مشارکتی بر آن است که این دو گام را با توسل به خود مردم تأمین نماید.

## ۱-۲. لزوم استفاده از توان جامعه مدنی

مهمترین نقش سمن‌ها افزایش مشارکت اجتماعی، پیشرفت و توسعه جامعه است. برای رفع مشکلات موجود در جامعه، دولت باید با همکاری بخش خصوصی و جامعه مدنی وارد عمل شود و در این میان، سمن‌ها می‌توانند در کنار حمایت‌های دولتی، برای رفع موانع، قدم‌های موثری بردارند.

تشکل‌های غیردولتی به‌عنوان نهادهایی توانمند در تحقق الگوی مشارکت اجتماعی، از آن رو در دنیای امروز اهمیت پیدا کرده‌اند که می‌توانند الفبای نقش مردم را در قالب شهروند مقتدر و حلقه واسط بین حکومت و مردم تا شعاع حضور در صحنه‌های زنده اجتماعی و سیاسی جامعه بتابانند. این در حالی است که جلوه‌های تحول یافته زندگی در جامعه، افزایش نقش مردم را در امور مربوط به خود اجتناب‌ناپذیر کرده است. وجود فاصله و شکاف عمیق بین نگرش و باورهای نسل‌های دیروز و امروز در بسیاری از کشورها، دسترسی فعال و سازنده نسل‌های امروز را به سطوح مدیریت جامعه با دشواری مواجه می‌سازد. برای جبران این نقصان بوده که طی نیم قرن گذشته، سازمان و مؤسسات مختلفی با هدف جلب مشارکت نسل‌های امروز در امور اجتماعی، صنفی و سیاسی یکی پس از دیگری شکل گرفته‌اند (حیدری و جمشیدی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

بی‌شک یکی از پیش‌نیازهای آن مشارکت اجتماعی خواهد بود؛ به این معنی که توسعه اجتماعی زمانی تحقق‌پذیر است که جلب مشارکت مردم به‌عنوان سازندگان اصلی حیات اجتماعی مد نظر باشد.

## ۲. ساختار سمن‌ها

انواعی از سمن‌ها در جامعه ایران در حال شکل‌گیری است که دامنه فعالیت آن‌ها روز به روز متنوع‌تر و پیچیده‌تر می‌شود که با اعمال مدیریت صحیح و استفاده از آن توانمندی‌ها می‌توان از گسترش این سازمان‌ها به‌عنوان یک فرصت و ابزار جهت توسعه در زمینه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور نام برد.

### ۲-۱. سمن‌ها در قالب تشکل‌های مردمی

نقش همکاری و مشارکت افراد یک جامعه در برنامه‌های پیشگیرانه نقشی مؤثر و بی‌بدیل است. زیرا مردم به‌عنوان افرادی که در یک جامعه مشخص زیست می‌کنند به‌عنوان افرادی ذی‌نفع در ارتباط با این برنامه‌ها معرفی می‌شوند. بسیاری از سمن‌ها، غیرانتفاعی و مستقل از دولت هستند و بودجه این سازمان‌ها از راه کمک‌های مردمی و در مواردی نیز با کمک سازمان‌های دولتی، دولت یا ترکیبی از این روش‌ها و در قالب پروژه‌های مشترک تأمین می‌شود. اگرچه انجمن‌های داوطلبانه شهروندان در سراسر تاریخ وجود داشته‌اند، سازمان‌های غیردولتی اغلب به همان منوال که امروزه، به ویژه در سطح بین‌الملل دیده می‌شوند، در دو قرن اخیر توسعه یافته‌اند (بیگ‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۰۳).

## ۲-۲. سمن‌ها در قالب نهادهای غیردولتی

سمن‌ها یکی از مهمترین بازیگران غیردولتی شمرده می‌شوند که به سبب کارکردهای مفیدشان، دولت‌ها مقرراتی در خصوص تأسیس و فعالیت آن‌ها تدوین کرده‌اند. این نهادها خود در دو بستر نظام بین‌المللی و نظام داخلی فعالیت دارند.

۱. سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی: سازمان‌های غیردولتی هم اکنون حدود صد نوع فعالیت در زمینه‌های مختلف اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، حقوقی، سیاسی، اداری، علمی، فنی، ورزشی، توریستی، معنوی و غیره انجام می‌دهند. عللی که باعث توسعه و مؤثرتر بودن فعالیت این سازمان‌ها می‌شود، شامل؛ سادگی روند ایجاد این سازمان‌ها و داشتن ابزارهای مادی لازم است. تأثیر سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی نیز از تنوع فراوانی برخوردار است. مشارکت سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی زمانی مستقیم است که خود مبتکر و ارائه‌کننده متون حقوقی باشند؛ یعنی در واقع نقش سازمان‌های بین‌الدولی را مانند تصویب قطعنامه‌ها و تدوین قواعد عرفی ایفاء کنند. تأثیر غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی بدین صورت است که گاه سازمان‌های غیردولتی به عنوان مشاور تأثیر دارند و گاه در قالب همکاری با سازمان‌های بین‌الدولی چنین تأثیری را برجای می‌گذارند. در حال حاضر مهمترین مبنای حقوقی که می‌توان برای تأثیر غیرمستقیم سازمان‌های غیردولتی در شکل‌گیری قواعد بین‌المللی در قالب مشاوره ارائه نمود ماده ۷۱ منشور ملل متحد است که به شورای اقتصادی و اجتماعی اجازه داده است تا به منظور مشاوره با سازمان‌های غیردولتی که به امور داخل در صلاحیت شورا اشتغال دارند هر گونه تدابیر مناسب اتخاذ نماید (تمبو، ۲۰۰۸: ۱۱).

۲. سازمان‌های مردم‌نهاد ملی: اصل ۲۶ قانون اساسی تصریح دارد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند...»

اصل ۲۷ نیز بر آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد، تأکید کرده است. در ارتباط با تفسیر اصول مزبور دو دیدگاه باید مورد توجه قرار گیرد.

بنا به تصریح و منطوق قانون اساسی جمعیت‌ها و انجمن‌ها (شمول اصل سازمان‌های غیردولتی را نیز در برخواهد گرفت)، در انجام فعالیت خود مشروط به قیود خاص آزادند، نظارت بر رعایت اصول مزبور و تأمین شرایط مقرر نوعی نظارت پسینی است که پس از تأسیس و ایجاد سازمان‌های غیردولتی از سوی دولت اعمال می‌شود و قانون اساسی تصریحی به نظارت پیشینی ندارد؛ بنابراین در خصوص تأسیس و فعالیت این نوع سازمان‌ها نیازی به اخذ مجوز نیست و دولت تنها نظارت

می کند تا سازمان‌های غیردولتی شرایط مقرر در اصل ۲۶ و ۲۷ را نقض نکنند. در ارتباط با شخصیت حقوقی سازمان‌های غیردولتی باید گفت؛ نظر به این که این سازمان‌ها مؤسسات و تشکیلات غیردولتی محسوب می شوند مستنداً به مواد ۵۸۶-۵۸۴ قانون تجارت از تاریخ ثبت در دفتر مخصوص واجد شخصیت حقوقی می شوند. با این حال در خصوص نظارت بر فعالیت آن‌ها قانون ثبت شرکت‌ها فاقد سازوکار لازم است و ابطال مجوز از سوی ثبت شرکت‌ها ممکن نیست؛ بلکه قانون ابطال مجوز را به تصمیم قضایی موکول کرده است. در سال ۱۳۷۸ شورای عالی اداری مرجع صدور مجوز و نظارت بر فعالیت سازمان‌های غیردولتی را دستگاه ذیربط در موضوع فعالیت آن سازمان غیردولتی دانست که این مصوبه توسط دیوان عدالت اداری ابطال شد. در سال ۱۳۸۱ آئین نامه دیگری تنظیم شد که به منظور ساماندهی این گونه تشکل‌ها مرجع صدور مجوز را وزارت کشور تعیین نمود و از تاریخ تدوین این آئین نامه تا سال ۱۳۸۴ حدوداً ۳ مرتبه اصلاح شده است (حسینی، ۱۳۸۶: ۳۷).

در حال حاضر مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز کسب مجوز از مراکز فرهنگی ارشاد را به منظور تأسیس مؤسسات فرهنگی لازم دانسته است. آئین نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیرتجارتی در ماده ۵ خود پیش بینی کرده است که این گونه مؤسسات باید اظهار نامه‌ای حاوی اسم، اقامتگاه، تابعیت، موضوع مؤسسه، مراکز، شعب و همچنین نام و شهرت و اقامتگاه اشخاصی را که برای اداره مؤسسات تعیین شده‌اند تهیه نموده و پس از کسب اجازه نامه از شهربانی به اداره ثبت شرکت‌ها در تهران یا به اداره ثبت مراکز اصلی در شهرستان‌ها تسلیم نماید و در صورتی که مؤسسات خارجی باشند اداره ثبت شرکت‌ها تقاضای ثبت آن‌ها را با ذکر خصوصیات به وزارت امور خارجه اعلام و پس از موافقت آن وزارتخانه طبق مقررات اقدام به ثبت آن‌ها خواهد کرد. اکنون نیز وزارت کشور پیش‌نویس آئین نامه تأسیس و فعالیت سازمان‌های مردم نهاد را تهیه نموده است، لیکن هنوز این آئین نامه به تصویب هیأت وزیران نرسیده، و واجد موجودیت حقوقی نیست؛ با این حال توجه به رئوس و خطوط کلی این آئین نامه مفید ثمر خواهد بود (گلشن پژوه، ۱۳۸۹: ۴۴-۴۶).

### ۳. وضعیت سمن‌ها در پرتو رویکرد پیشگیرانه از جرایم زیست محیطی

امروزه سازمان‌های غیردولتی از دو جهت به نظام عدالت کیفری در راستای تحقق اهداف خود کمک می کنند. از یک سو، با ایفای وظایف خود در زمینه اعلام و گزارش جرایم، نظام عدالت کیفری را در کشف و تعقیب جرایم کمک می کنند و از سوی دیگر با نقش آفرینی خود در فرایند کیفری به بزه دیدگان خاص یاری می رسانند (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۰-۲۰۱).

افزون بر پیشگیری، اتخاذ رویکرد واکنشی در راستای جرم‌انگاری اعمال تخریب و آلوده‌کننده هوا از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ با شناسایی و توسعه صلاحیت متولیان این امر از متولیان عمومی و دولتی به متولیان خصوصی و غیردولتی، دفاع از حریم طبیعت، روند بهتری به خود خواهد گرفت. از این رو، تعامل سازمان‌های غیردولتی با دولت و صلاحیت این سازمان‌ها در دعاوی کیفری نقش مهمی در حفاظت از محیط‌زیست در مرحله کنترل و اجرا دارد. تاکنون در سطح ملی و بین‌المللی تعاریف متعددی از سازمان‌های غیردولتی ارائه شده است؛ اما تنوع این سازمان‌ها به حدی است که ارائه یک تعریف واحد آن‌ها دشوار است؛ با این وجود این سازمان‌ها از منظر دارا بودن ماهیت خصوصی و غیرتجاری بودن دارای وجه مشترک هستند (رشیدپور، ۱۳۸۲: ۲۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در زمینه حفظ محیط‌زیست و همچنین مشروعیت ایجاد و فعالیت سازمان‌های غیردولتی دو اصل مهم پیش‌بینی شده است. در اصل پنجاهم این قانون، حفاظت از محیط‌زیست یک وظیفه عمومی تلقی شده است. ضمن این که فعالیت‌هایی که موجبات آلودگی یا تخریب و نابودی محیط‌زیست را فراهم می‌آورد، ممنوع شده است. به موجب این اصل همه مردم ایران موظف هستند در جهت حفاظت و حمایت از محیط‌زیست خود اقدام کنند؛ بر این اساس، تأسیس و شرکت در سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی و عضویت در آن‌ها، می‌تواند در راستای اصل پنجاهم قانون اساسی و در جهت حفظ محیط‌زیست و توسعه پایدار تلقی شود. دومین اصلی که براساس آن ایجاد فعالیت سازمان‌های غیردولتی استنباط می‌شود، اصل بیست و ششم قانون اساسی است.

### ۳-۱. جنینی بودن مرحله پیشگیری مشارکتی نسبت به جرایم زیست‌محیطی

به طور کلی رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی از جوانب مختلف قابل تأمل است. این رابطه به تناسب حوزه مورد مطالعه متغیر بوده و از تنوع بسیاری برخوردار است. حضور و مشارکت سازمان‌های غیردولتی در دو فرایند شکل‌گیری هنجارهای بین‌المللی و نظارت و اجرای آن‌ها محقق می‌شود. این تنوع موجب ظهور نقش‌های متفاوتی برای این سازمان‌ها می‌شود؛ به گونه‌ای که در یک حوزه به عنوان مکمل فعالیت دولت و سازمان‌های بین‌المللی است (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۵).

با توجه به کارکردهای گوناگون سازمان‌ها غیردولتی، پرسش مهم این است که آیا موضوع پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی در دستور کار آن‌ها قرار می‌گیرد؟ پاسخ دادن به این پرسش مستلزم بیان نکات زیر است:



اولاً، تأمل در مقررات حاکم بیانگر آن است که در نظام حقوقی ایران صرفاً به طور پراکنده مواد مختلفی به مشارکت سازمان‌های غیردولتی اختصاص یافته است؛ قانون جامع و مستقلی در خصوص پیشگیری مشارکتی وجود ندارد؛ زیرا برنامه‌های پیشگیری از جرم به طور کلی در بستری کاملاً رسمی و دولتی شکل گرفته و جایگاه مناسبی برای سازمان‌های غیردولتی در نظر نگرفته است. ثانیاً، این که، موضوع پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی کمتر مورد توجه واقع شده است (منصورآبادی، ۱۳۸۷: ۲۶).

با وجود گام بلند قوه قضاییه برای عملیاتی کردن وظیفه پیشگیری مندرج در قانون اساسی، قانون پیشگیری از وقوع جرم ظاهراً نسبت به جرایم زیست‌محیطی بی‌اعتنا است. با این همه، به نظر می‌رسد که قانون مذکور به رغم عدم صراحت، دارای ظرفیت لازم برای پوشش دادن به جرایم مذکور نیز باشد. به‌ویژه آن که این اعتقاد درست وجود دارد که دسترسی به محیط‌زیست سالم، لازمه تحقق دیگر حقوق اساسی مورد حمایت قوانین کیفری و عدالت بین نسلی زیست‌محیطی است. امروزه برنامه‌های پیشگیری از جرایم در قالب رسمی و دولتی صرف، از اقبال چندانی برخوردار نیست؛ موفقیت این برنامه‌ها منوط به مشارکت تمامی کنشگران جامعه مدنی است. در همین راستا اسناد مهم بین‌المللی مربوط به محیط‌زیست مانند اعلامیه ریو و دستور ۲۱، متضمن عناصری است که بر مشارکت همه بازیگران غیردولتی برای حفاظت از محیط‌زیست تأکید دارد.

### ۳-۲. پیشگیری مشارکتی در حوزه محیط‌زیست

سازمان‌های غیردولتی در چارچوب اهداف تعیین شده در اساسنامه خود حرکت کرده و به تناسب هدف و موضوعی که برای آن تأسیس شده‌اند، در قبال مسائل گوناگون اتخاذ تصمیم می‌نمایند. در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای دولتی، این سازمان‌ها عموماً از حیث مالی و تکنیکی با محدودیت‌های بسیاری مواجه هستند.

این سازمان‌ها برای نیل به اهداف خود از ابزارها و شیوه‌هایی بهره می‌گیرند که کم و بیش توسط سایر سازمان‌های غیردولتی نیز استفاده می‌شود. به کارگیری این وسایل و ابزارها بیشتر در جهت کاهش یا به حداقل رساندن احتمال ارتکاب جرایم زیست‌محیطی است. اعمال پیشگیری و به کارگیری کاربست‌های غیرکیفری به عنوان نخستین و آسان‌ترین راه برای حفاظت از عناصر طبیعی محسوب می‌شود. تجربه و تخصص علمی ثابت می‌کند که چه به دلیل اکولوژیکی و چه به دلیل اقتصادی، پیشگیری باید «قاعده طلایی» محیط‌زیست باشد. در برخی از موارد در صورت ورود آسیب به محیط‌زیست جبران آن غیرممکن است: انقراض گونه‌های جانوری یا گیاهی، فرسایش و تخلیه آلاینده‌های پایدار در دریا، وضعیت‌های مهارنشده‌ای و غیرقابل بازگشتی را به

وجود می‌آورد. حتی زمانی که آسیب قابل جبران باشد، هزینه‌های احیای محیط‌زیست بسیار بالا است (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۰۹).

مرتکبان جرایم زیست‌محیطی و آلودگی هوا را می‌توان به اشخاص حقیقی و حقوقی تفکیک کرد. با این وجود، تعیین دقیق مرتکب یا مرتکبان جرایم مزبور و میزان مشارکت هریک از این اشخاص در این جرایم یکسان نیست. برای مثال در آلودگی هوا، تعیین دقیق میزان گازهای متصاعد شده از هریک از آلوده‌کنندگان هوا (کارخانه‌های صنعتی و دارندگان اتومبیل) از یک سوی و سهم هریک از تولیدکنندگان (تولیدکنندگان اتومبیل غیراستاندارد و تولیدکنندگان سوخت نامناسب و غیر استاندارد (در ایجاد آلودگی از سوی دیگر، امری دشوار است. ضمن آن که، باید آلودگی‌های فرامرزی را نیز به آن افزود؛ امری که از ارتباط نزدیک بین عناصر زیست‌محیطی و تأثیر و تأثر هریک از آن‌ها نسبت به یکدیگر ناشی شده و در نتیجه، شناسایی آلوده‌کنندگان و منبع آلودگی را دشوار می‌سازد. تشخیص مجنی‌علیه جرایم زیست‌محیطی با چند مشکل عمده مواجه است؛ چنانچه محیط‌زیست به عنوان مجنی‌علیه تلقی شود، این مجنی‌علیه دارای شخصیت حقیقی و حقوقی نیست؛ همچنین ارزش محیط‌زیست، جنبه ذاتی دارد؛ ارزش آن بالذات نباید با توجه به نفع و سودی که برای بشر دارد، سنجیده شود؛ پیش از هر چیز احترام به آن باید بر ارزش ذاتی آن متوقف باشد و نه اهمیتی که بالعرض برای انسان به ارمغان می‌آورد (قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۷۶).

سازمان‌های غیردولتی تلاش می‌کنند با اطلاع‌رسانی، آموزش و بسیج افکار عمومی اقدامات پیشگیرانه خود را به شرح زیر انجام دهند.

۱. اطلاع‌رسانی نسبت به وضعیت محیط‌زیست محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی موضوع اطلاع‌رسانی و مشارکت شهروندان واجد اهمیت بسیار است؛ زیرا با مشارکت ایشان در اتخاذ تصمیم‌ها، بستر مناسبی برای مردم‌سالاری فراهم می‌شود. از طرف دیگر رعایت این حق برای شهروندان مبین توجه دولتمردان به کثرت‌گرایی و اشتراک مساعی مردم در اداره امور کشور و حق تعیین سرنوشت‌شان است. توسعه حق دسترسی شهروندان به اطلاعات و مشارکت ایشان در اتخاذ تصمیمات مربوط به مسائل زیست‌محیطی از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ زیرا، دسترسی به داده‌های زیست‌محیطی و مشارکت آن‌ها در فرآیند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری متضمن آثار مستقیمی بر شهروندان خواهد بود (مهدوی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۹۸).

باید توجه داشت که بعضی از سازمان‌های غیردولتی فعال در زمینه محیط‌زیست دارای اطلاعات تخصصی دقیقی هستند؛ این اطلاعات می‌تواند تصمیم‌گیران و مجریان طرح‌های بزرگ صنعتی را از حیث مسائل زیست‌محیطی یاری کند. نمونه بارز این مشارکت را می‌توان در امور تخصصی مانند؛ مطالعه آثار زیست‌محیطی طرح‌های بزرگ صنعتی بر روی هوا و آلودگی آن مشاهده کرد؛

به لطف روش‌ها و ابزارها و نقش کارشناسی این سازمان‌ها می‌توان از حقوق عموم در حوزه محیط‌زیست دفاع کرد (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۲-۲۱۳).

## ۲. بسیج افکار عمومی

یکی از ابزارهای قدرتمند این سازمان‌ها در سطح ملی و بین‌المللی، تظاهرات بیرونی فعالان زیست‌محیطی بوده که آن‌ها را به یک گروه فشار قدرتمند تبدیل می‌کند. اقدامات این سازمان‌ها از تنوع بسیاری برخوردار است؛ به نحوی که، از اعتراض سخت یک سازمان غیردولتی اکولوژیک نسبت به آزمایش‌های هسته‌ای یک کشور در دریا تا شکل‌گیری یک ائتلاف برای مبارزه با مین‌های ضدنفز و تأسیس یک دیوان کیفری بین‌المللی را شامل می‌شود؛ لذا این سازمان‌ها به مدد وضعیت رسمی و غیررسمی که در عرصه بین‌المللی برای آن‌ها لحاظ شده است، قادرند به نوبه خود در روابط بین‌الملل منشأ اثرگذاری باشند. باید توجه داشت که از حیث تأثیرگذاری و اعتبار، اقدامات این سازمان‌ها یکسان نیست؛ زیرا هم از حیث نوع فعالیت و هم از حیث گستره جغرافیایی از تنوع بسیاری برخوردار هستند (مهدوی و علی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۱۰۳).

این سازمان‌ها در سطح ملی برای نیل به اهداف خود در راستای حفاظت از محیط‌زیست، اقداماتی چون تهیه طومار برای حمایت از یک موضوع زیست‌محیطی چون طرح جابجایی جاده اتصال شمال کشور به استان خراسان یا مخالفت با تخریب‌های غیر مجاز منابع طبیعی و نیز مخالفت با احداث کارخانجات مضر به حال هوا صورت داده‌اند. گاهی اقدامات این سازمان‌ها به گونه‌ای است که می‌تواند در شکل‌گیری معیارهای حداقلی مورد توجه قرار گیرند، برای مثال شرکت‌های تهیه و تولید فرآورده‌های و محصولات غذایی یا حتی بهداشتی و دارویی و پوشاک و خدماتی نیز برای حفظ اعتبار خود در بازار و همچنین مطلوبیتشان از حیث خریدار، آرم مجوز اعطایی این مؤسسات را به عنوان دلیلی بر کیفیت بالای محصولات خود بر کالایشان درج می‌کنند. به رغم کوشش‌های فراوان سازمان‌های غیردولتی در ایران، هنوز این سازمان‌ها نتوانسته‌اند به نحو شایسته‌ای جایگاه واقعی خود را بیابند و در بسیج افکار عمومی جهت حفظ محیط‌زیست و پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی به طور یکپارچه عمل کنند (عبداللهی، ۱۳۸۶: ۱۳۹).

## ۳. آموزش

آموزش نقش مهمی در پیشگیری از تخریب و آلودگی محیط‌زیست دارد؛ از این‌رو، سازمان‌های غیردولتی با تشکیل شبکه‌های زیست‌محیطی، آموزش‌هایی را برای آشنایی افراد با طبیعت و نحوه تعامل با آن آغاز کرده‌اند. هدف اصلی از این آموزش‌ها، آشنایی هرچه بیشتر با محیط‌زیست و تبادل اطلاعات و تجربیات است. انجام تحقیق در خصوص مسائل گوناگون زیست‌محیطی جهت گردآوری اطلاعات و آمار دقیق در مورد وضعیت محیط‌زیست مناطق

مختلف و همچنین تحقیق بر روی گونه‌های جانوری و گیاهی از جمله مواردی است که در چارچوب اقدامات این سازمان‌ها انجام شده است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۵).

شمار قوانین عادی در حوزه محیط‌زیست کم نیست و قانونگذار در حوزه‌های گوناگون طبیعی و انسانی به فراخور موضوع اقدام به قانونگذاری کرده است در مهمترین قوانین عادی در این خصوص نیز مقرره‌های مشارکتی وجود دارد که به اختصار می‌توان موارد ذیل را نام برد: بند «د» ماده ۶۰ قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، ماده ۶ قانون مدیریت پسماند در خصوص آموزش و اطلاع‌رسانی، ماده ۳۳ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا در خصوص لزوم آموزش دهی، آیین‌نامه اجرایی قانون حفاظت و بهسازی محیط‌زیست، ماده ۱۲ آیین‌نامه بهداشت محیط و در حال حاضر نیز با تصویب قانون هوای پاک ماده ۲۴ در باب مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از جرایم آلوده‌سازی هوا و ماده ۲۸ قانون مزبور نیز به بحث لزوم آموزش و اطلاع‌رسانی و آگاهی دهی مردم در مقابله با پدیده آلودگی هوا پرداخته است.

#### ۴. حق دادخواهی سازمان‌های غیردولتی در دعاوی زیست‌محیطی

تبیین نقش سازمان‌های غیردولتی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی، مستلزم آن است که موضع نظام حقوقی ایران در شناسایی حق دادخواهی برای این سازمان‌ها بررسی و آسیب‌شناسی گردد. شناسایی این حق یکی از معیارهایی است که براساس آن می‌توان جایگاه و اهمیت اصل مشارکت را ارزیابی نمود؛ امری که نقش مهمی در روند اجرای مقررات زیست‌محیطی ایفا می‌کند.

#### ۴-۱. در سطح بین‌المللی

بی‌تردید تقویت نقش سازمان‌های غیردولتی در دعاوی زیست‌محیطی یکی از راهکارهای مهم حل این مشکل خواهد بود. اقبال این سازمان‌ها و شناسایی حق طرح دعوا به مقررات داخلی محدود نیست، بلکه در بعضی از اسناد بین‌المللی مانند کنوانسیون حمایت از محیط‌زیست از طریق حقوق کیفری نیز مورد توجه قرار گرفته است. ماده ۱۱ این کنوانسیون به گروه‌های زیست‌محیطی از جمله سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی به عنوان ذینفع برای طرح دعاوی زیست‌محیطی، سمت اعطا کرده است. در همین راستا، دستور کار ۲۱ حکومت‌ها و قانونگذاران را برای تضمین غرامت حقوقی و جبران اقدامات اثرگذار بر محیط‌زیستی که غیرقانونی بوده یا حقوق قانونی را نقض می‌کنند، به ایجاد آیین‌های قضایی و اداری فرا می‌خواند. مطالعه تطبیقی حقوق سایر کشورها مبین این واقعیت است که برای پاسخگویی به این مشکل، کشورها تلاش کرده‌اند تا با نقش‌دهی به سازمان‌های غیردولتی در فرایند کیفری این معضل را مرتفع نمایند (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۰: ۲۱۴-۲۱۵).

وضع قانون یکی از مهمترین و اصلی ترین مراحل در حفاظت از محیط زیست محسوب می شود. تقنین به تنهایی برای صیانت از منابع طبیعی وافی به مقصود نیست؛ زیرا مقررات وضع شده باید توسط ارکان اجرایی به مرحله اجرا گذاشته شود. تحقق و اهداف مندرج در قوانین و مقررات وضع شده، در صورتی ملموس خواهد بود که برای عدم اجرای آنها ضمانت اجرایی وجود داشته باشد و این ضمانت اجراها توسط مقامات قضایی صالح تضمین گردد (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۱۱۶).

لذا در امروزه تلاش می شود تا بر پایه اصول پیشگیری توسط حقوق اداری، مقابله توسط حقوق کیفری و جبران خسارت توسط حقوق مدنی، بستر مناسبی برای اجرای مقررات زیست محیطی فراهم آید. تحقق این مهم منوط به نقش دهی به این سازمان ها و مشارکت آنها در پیشگیری و مقابله جرایم زیست محیطی است.

#### ۴-۲. در سطح حقوق داخلی

در حقوق ایران به طور صریح هیچ قانونی حق دسترسی سازمان های غیردولتی را به مراجع قضایی مورد شناسایی قرار نمی دهد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می کند. این خلأ حقوقی مشکلات عملی بسیاری برای سازمان های زیست محیطی که در صدد واکنش در قبال آسیب های زیست محیطی هستند، ایجاد می کند. با توجه به اهمیت مفهوم ذی نفع در اقامه دعوی در نظام حقوقی ایران و تمهیداتی که در مورد اعمال حق دادخواهی گروهی توسط سمن ها در آیین نامه تشکیل سازمان های غیردولتی و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ پیش بینی شده است.

توجه به واژگانی چون هر فرد، هر کس، همه افراد ملت و هیچ کس در قانون اساسی این امر را به ذهن متبادر می کند که مبنای حقوقی برای حضور سازمان های غیردولتی در دادرسی ها وجود دارد؛ ضمن آن که در اصول دیگر این قانون و به عناوین مختلف این امر شناسایی شده است. پرسش این است که آیا عدم تصریح به حق سازمان های غیردولتی برای دادخواهی، می تواند موجبی برای جلوگیری از حضور این سازمان ها شود؟ با توجه به واقعیات کنونی و ماهیت جرایم زیست محیطی، محرومیت این سازمان ها از دسترسی به مراجع قضایی منطقی به نظر نمی رسد. در عرصه بین المللی به طرق مختلف این سازمان ها ایفای نقش می کنند؛ یکی از بارزترین مصادیق این مشارکت، حضور آنها در پیشگاه بعضی از مراجع قضایی بین المللی است که از آنها با عنوان دوستان دادگاه یاد می شود. این نهاد ملهم از حقوق کشورهای انگلوساکسون بوده و به تدریج در حقوق بین الملل راه یافته و در حال گسترش است (شیلتون و کیس، ۱۳۸۹: ۷۹۸).

واژه هرکس مذکور در اصل ۹۰ قانون اساسی، می‌تواند تمام اشخاص حقیقی و حقوقی را در برگیرد. از این رو به نظر می‌رسد نمی‌توان سازمان‌های غیردولتی زیست‌محیطی را از حق دسترسی به مراجع دادگستری برای صیانت از محیط‌زیست محروم کرد. مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوا رسیدگی کند؛ مگر اینکه شخص یا اشخاص ذی‌نفع یا وکیل یا قائم مقام یا نماینده قانونی آنان رسیدگی به دعوا را برابر قانون درخواست نموده باشند».

ذی‌نفع کسی است که در موضوع دعوا دارای نفعی باشد. موضوع ذی‌نفع در دعاوی کیفری زیست‌محیطی یکی از مسائل بحث‌برانگیز است. در واقع در اینگونه جرایم، مجنی علیه قربانی خاموشی است که توان اعتراض و دفاع از خود را ندارد. در یک حالت از رهگذر ارتکاب جرایم علیه محیط‌زیست، به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگر خسارت وارد می‌شود که در این حالت محیط‌زیست نیز به تبع شکایت زیان‌دیده خصوصی مورد حمایت نظام حقوقی قرار می‌گیرد. در حالت دوم جرم صرفاً علیه محیط‌زیست ارتکاب می‌یابد، بی‌آنکه به طور مستقیم زبانی به اشخاص دیگر وارد شود. مانند شکار غیرمجاز و تخریب جنگل‌ها که ظاهراً زبانی را مستقیماً به اشخاص وارد نمی‌کند که در حالت اخیر جرم مذکور از مصادیق جرایم علیه منافع عمومی بوده و دادستان به عنوان مدعی‌العموم حق اعلام جرم و طرح دعوی کیفری را دارا خواهد بود. لکن به موجب قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، سمن‌های زیست‌محیطی نیز حق اعلام جرم و شرکت در جلسات دادرسی را به دست آورده‌اند. امروزه سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد به عنوان نمایندگان جامعه در پیشبرد مسائل فرهنگی و اجتماعی نقش اساسی دارند و حضور و نقش آفرینی این سازمان‌ها می‌تواند ضمن تأمین و تضمین مشارکت مردم، بر کارآمدی و اثربخشی سیاست‌ها و برنامه‌های مختلف کشور اثرگذار باشد. قبل از تصویب قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، در حقوق کشور ما اصل بر این بود که کسی حق اقامه دعوا به نام دیگری را ندارد و هیچ قانونی نیز صراحتاً حق اقامه دعوی سازمان‌های غیردولتی مردم نهاد زیست‌محیطی را به مراجع قضایی شناسایی نمی‌کرد و چنین حقی را حسب موضوع دعوا به متولیان دولتی محدود می‌ساخت و تنها با استناد به برخی مقررات پراکنده (مانند آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی) و تفسیری موسع از آن‌ها می‌توان حق دسترسی این قبیل سازمان‌ها را به مراجع قضایی استنباط نمود، چرا که در اصل سی و چهارم کاربرد واژه‌های «هر فرد»، «هر کس» و «همه افراد ملت» این امر را به ذهن متبادر می‌سازد که توجیه حقوقی برای حضور سمن‌ها در دادرسی‌ها وجود دارد. همچنین به موجب اصل پنجاهم قانون اساسی حفاظت محیط‌زیست وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. مطابق اصل هشتم قانون اساسی دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه‌ای همگانی و متقابل بر عهده مردم و دولت نسبت به یکدیگر است. بر اساس اصل نود قانون اساسی نیز «هر کس» شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به

مجلس شورای اسلامی ارائه کند. به موجب ماده ۱۶ آئین نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴ نیز سمن‌ها حق دارند در موضوع فعالیت خود برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی در مراجع قضایی اقامه دعوی نمایند (بهرامی‌احمدی و علمخانی، ۱۳۹۲: ۸۷-۸۸).

تا اینکه در سال ۱۳۹۲ قانون آیین دادرسی کیفری در ماده ۶۶ صراحتاً حق اعلام جرم و شرکت در تمام مراحل دادرسی جهت اقامه دلیل و اعتراض نسبت به آرای مراجع قضایی را برای سمن‌هایی که در زمینه محیط‌زیست فعالیت می‌کنند، به رسمیت شناخت. در رابطه با حق دادخواهی شهروندان و سمن‌ها باید اذعان شود که قابلیت دادخواهی یک حق به این معناست که صاحبان حق بتوانند در صورتی که دولت یا سازمان‌های عمومی فعال در محیط‌زیست به وظایفشان عمل نکردند، به مراجع قضایی مراجعه و اقدام به اقامه دعوی و درخواست غرامت و جبران خسارت نمایند؛ لذا حق بر محیط‌زیست و حق بر سلامت شهروندان از جمله حقوقی است که برای اجرایی شدن و مؤثر بودن باید قابل دادخواهی باشند، چراکه حقوق در صورت عدم امکان مراجعه به دادگاه برای برآورده شدن آنها معنای خود را از دست می‌دهد. در این راستا در جمهوری اسلامی ایران باید گفت اگر سمن‌ها خود به طور مستقیم بزه‌دیده باشند، هیچ‌گونه تردیدی وجود ندارد که آنها بتوانند طرف دعوا قرار بگیرند، زیرا بر اساس ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان می‌گردد و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، شاکی و هرگاه جبران ضرر و زیان وارده را مطالبه کند، مدعی خصوصی نامیده می‌شود؛ لذا قانون مذکور با به کار بردن واژه شخص برای بزه‌دیده، آن را به صورت کلی و عام به اشخاص حقیقی و حقوقی تسری داده است (رمضانی‌قوام‌آبادی، ۱۳۹۴: ۵۶۱).

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رابطه با حق دادخواهی سمن‌ها مقرر می‌داشت: «سازمان‌های مردم‌نهادی که اساسنامه آنها درباره حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و ناتوان جسمی و ذهنی، محیط‌زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرایم ارتكابی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی برای اقامه دلیل شرکت و نسبت به آرای مراجع قضایی اعتراض نمایند» که وجود این ماده گامی رو به جلو در حمایت از فعالیت سمن‌ها و موضوعات فعالیت آنها بود، لکن با اصلاحیه‌ای که در سال ۱۳۹۴ به این ماده وارد شد، عبارت «جهت اقامه دلیل» و «اعتراض به آرای مراجع قضایی» از متن ماده حذف شد. اتفاقی که به عقیده فعالان محیط‌زیست به تضعیف نقش و عملکرد سازمان‌های مردم‌نهاد در اعمال حق دادخواهی آنها می‌انجامد. بنابراین نهایت کاری که سمن‌ها می‌توانند در راستای اعمال حق دادخواهی که اصل سی و چهارم قانون اساسی به آن تصریح دارد انجام دهند، آن است که صرفاً می‌توانند اعلام جرم

کنند نه شکایت؛ چون مفهوم شکایت و اعلام جرم در حقوق کیفری متفاوت است. درخواست تعقیب جرمی که دارای حیثیت و جنبه عمومی باشد را اعلام جرم می‌گویند؛ یعنی هر کس می‌تواند اعلام جرم کند و تعقیب مجرم را از دادستان بخواهد، اما اگر جرمی جنبه شخصی یا خصوصی داشته باشد، شاکی خصوصی باید شکایت کند و در صورت عدم شکایت، تکلیفی برای دادستان ایجاد نمی‌شود؛ از این رو حق شرکت در تمام مراحل دادرسی بدون حق مداخله در فرآیند دادرسی بدون امکان اقامه دلیل و اعتراض به تصمیمات یا آرای قضایی، چیزی در حد امکان تماشای روند دادگاه به عنوان یک تماشاچی است. همچنین نه تنها اصل ماده ۶۶ اصلاحی هیچ حق جدیدی به سمن‌ها نداده است، بلکه تبصره ماده مذکور نیز تضمینی غیر قابل توجیه در راستای حق دادخواهی آنها ایجاد کرده است. تبصره ۳ این ماده مقرر داشته: «اسامی سازمان‌های مردم‌نهادی که می‌توانند در اجرای این ماده اقدام کنند در سه ماهه ابتدای هر سال توسط وزیر دادگستری با همکاری وزارت کشور تهیه و به تصویب رئیس قوه قضائیه می‌رسد».

یعنی اساساً ممکن است یک سمن‌ها زیست‌محیطی در فهرست تهیه شده توسط وزارت کشور قرار نگیرد یا اگر هم در فهرست پیشنهادی وزارت کشور قرار گرفت، به تصویب قوه قضائیه نرسد و اینگونه از همین حق اعلام جرم هم محروم شود؛ بنابراین ماده ۶۶ اصلاحی یک عقب‌گرد زیان‌بار و یک عدول غیر قابل قبول از اصول ۳۴، ۱۵۶ و ۱۵۹ قانون اساسی است که حق دادخواهی را برای هر کسی به رسمیت شناخته و دادگستری را مرجع تظلمات عمومی معرفی کرده است. هرچند که ممکن است اشخاص زیادی از وقوع یک جرم متحمل ضرر و زیان شوند، اما تنها بزه‌دیده‌ای که مستقیماً از وقوع جرم لطمه دیده می‌تواند در فرآیند کیفری به عنوان شاکی تقاضای تعقیب متهم را نماید. لکن با توجه به آنکه مطابق ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ جرم می‌تواند دارای حیثیت عمومی از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی باشد، بدیهی است که جرایم علیه محیط‌زیست، منابع طبیعی و بهداشت عمومی واجد جنبه عمومی دانسته شده و چون ذی‌نفع آنها جامعه است، هر شخص اعم از حقیقی یا حقوقی می‌تواند اعلام جرم کند. لذا ماده ۶۶ با اعطای حق اعلام جرم از طرف سمن‌ها در واقع اختیار جدیدی به آنها اعطا نکرده است و بنابراین با توجه به آنکه هدف از وضع ماده مذکور حمایت است، لذا حمایت با صرف اعلام جرم و شرکت در جلسات رسیدگی محقق نمی‌گردد (وروایی و دیگران، ۱۳۹۵: ۳۶).

با این وجود به اعتقاد برخی حقوقدانان علیرغم تصویب ماده ۶۶ پس از اصلاحات به این شکل، باز هم تدوین و تصویب این ماده را باید به فال نیک گرفت، زیرا بیانگر جهتگیری نوین قانونگذار ایران (به صورت یک قانون آن هم پس از حدود ۱۰ سال از تصویب آیین‌نامه اجرایی سازمان‌های غیردولتی مصوب ۱۳۸۴) نسبت به حضور سمن‌ها در فرآیند دادرسی است. لذا در عمل چاره‌ای



جز این باقی نخواهد ماند تا با وجود چنین تغییرات و در نظر گرفتن نقش ناچیز برای سازمان‌های مردم نهاد در تحقق حق خودخواهی آنها، واکنش دستگاه قضایی و رویه قضایی را نسبت به حضور و فعالیت این نهادها به نظاره بنشینند (رضوانی قوام آبادی، ۱۳۹۴: ۵۶۴-۵۶۶).

چراکه ماده ۱۶ آیین نامه اجرایی مذکور حق اقامه دعوی سمن‌ها در موضوع فعالیت خود و برای حمایت از منافع عمومی علیه اشخاص حقیقی و حقوقی را به رسمیت می‌شناسد، لکن با تصویب ماده ۶۶ اصلاحی قانون آیین دادرسی کیفری از آنجا که قوانین از لحاظ سلسله مراتب حقوقی از آیین نامه‌ها بالاترند، اصولاً باید مفاد قانون مذکور در محاکم رعایت شود. اما در این میان نقش قوه قضائیه به عنوان مرجع تظلم خواهی شهروندان و سازمان‌های غیردولتی در جمع نمودن بین این دو مصوبه و گاهی تفاسیر کمک کننده قضات از مفاد قانونی می‌تواند به افزایش حق دادخواهی سازمان‌های مردم نهاد به عنوان یک نهاد مشارکتی و نهاد بارز مردم‌سالاری منجر شود. نکته مهم دیگری که در اینجا وجود دارد بحث دادخواهی و شکایت شهروندان و سمن‌ها از سازمان‌ها و مؤسسات عمومی است که برخلاف حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و قوانین برخی کشورها که حق طرح دعوا علیه دولت را به دلیل انجام تخلفات زیست‌محیطی یا حتی کوتاهی در حفاظت از محیط‌زیست به آنها اعطا نموده‌اند (لسانی و مشهدی، ۱۳۹۷: ۱۴۰).

در ایران اگرچه سازمان حفاظت محیط‌زیست علیه متخلفان و کسانی که به آلودگی یا تخریب محیط‌زیست می‌پردازند، اقدام می‌کند. اما این نقش در عمل محدود به اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی بوده و این سازمان از ابزارهای مؤثر نظارت بر اجرای ضوابط زیست‌محیطی در نهادها و تشکیلات دولتی برخوردار نیست. چرا که شهروندان بر اساس منطوق ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری به تنهایی حتی حق اعلام جرم زیست‌محیطی را نیز ندارند، بلکه اعلام جرم زیست‌محیطی و شرکت در فرآیند دادرسی‌های زیست‌محیطی همانطور که اشاره شد، در صلاحیت سمن‌های واجد شرایط و تأیید شده توسط قوه قضائیه خواهد بود و شهروندان در صورت تحقق و اثبات ضرر مادی یا معنوی از فعالیت‌های آلاینده و تخریب کننده زیست‌محیطی صرفاً حق جبران خسارت بر اساس قانون مسئولیت مدنی را دارند. علاوه بر اینکه هرگاه اشخاص حقوق خصوصی شامل شهروندان و سازمان‌های مردم نهاد به طور مستقل به تصمیم‌ها و اقدامات دولت که به آلودگی محیط‌زیست منجر شده است معترض باشند، می‌توانند به دیوان عدالت اداری هم مراجعه نمایند و البته تعیین میزان خسارت بر عهده دادگاه‌های عمومی است و هرگاه اشخاص حقوقی خصوصی مذکور اعتراض خود را از طریق سازمان‌های عمومی صالح در حوزه محیط‌زیست مطرح کنند، دادگاه‌های عمومی صلاحیت رسیدگی دارند.

## بحث و نتیجه‌گیری

موضوع جرایم زیست‌محیطی از مهمترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده و سلامتی آنها را با خطراتی روبرو ساخته است. اهمیت پیشگیری از این جرایم از این جهت است که با سلامتی انسان‌ها به صورت مستقیم ارتباط دارد. اغلب کشورها رژیم جزایی خاصی را در این مورد به اجرا می‌گذارند؛ بدین جهت این مهم به عنوان موضوعی ویژه در شکل‌دهی به سیاست جنایی تقنینی در مورد حفاظت از محیط‌زیست قابل مطالعه و بررسی است. سازمان‌های مردم‌نهاد یکی از مهمترین بازیگران غیردولتی شمرده می‌شوند که به سبب کارکردهای مفیدشان، دولت‌ها مقرراتی در خصوص تأسیس و فعالیت آنها تدوین کرده‌اند.

سازمان‌های مردم‌نهاد شامل افرادی هم‌هدف و داوطلب با گرایش‌های غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیراقتصادی است که برای تحقق یک هدف مشترک خیرخواهانه گرد هم جمع شده‌اند و طبق ضوابط و قوانین خاصی به انجام فعالیت‌های مشخص می‌پردازند. در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد گروه‌های کوچکی از افراد علاقه‌مند به برطرف نمودن یک معضل هستند و برای تحقق هدف خود به صورت داوطلبانه در یک ساختار قانونی و منسجم به صورت غیردولتی، غیرسیاسی، غیرانتفاعی و غیرتجاری به فعالیت‌های خیرخواهانه می‌پردازند. این سازمان‌ها که تبلور مشارکت مردم برای تحقق یک هدف مشترک هستند، موجب برآورده شدن نیازهای انسان‌ها در زمینه‌های فردی، اجتماعی و فرهنگی می‌شوند؛ بنابراین در یک نگاه کلی، این سازمان‌ها گروه‌های فعال اجتماعی هستند که می‌توانند نمونه بسیار خوبی از انعکاس نیازها و ظرفیت‌های جامعه برای شناخت معضلات سلامت و بسیج جامعه برای حل آن باشند.

برای پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی شیوه‌های مختلفی اعم از کیفری و غیر آن مورد استفاده قرار می‌گیرد که در این پژوهش به نقش سازمان‌های مردم‌نهاد ملی و بین‌المللی در پیشگیری از جرایم زیست‌محیطی پرداخته شد. در سال‌های اخیر نهادهای بین‌المللی، سازمان‌های دولتی و غیردولتی و دولت‌ها جهت مقابله با جرایم زیست‌محیطی همکاری داشته‌اند و در حال حاضر، تلاش اصلی، برقراری ارتباط میان نهادهای فعال این حوزه است. مقابله با جرایم این قلمرو، اغلب و به طور فزاینده مستلزم همکاری‌ها و پاسخ‌های جهانی است. برای کارایی این راهبرد مقابله‌ای، نهادهای زیست‌محیطی باید از تمامی ظرفیت‌ها استفاده کنند، به فعالان محیط‌زیست آموزش‌های علمی لازم را ارائه دهند و با همکاران خود در سطح جهان در ارتباط باشند. جهانی شدن، افراد و پدیده‌های مختلف را در سطح جهان به یکدیگر پیوند داده است. بنابراین، می‌توان چنین نتیجه گرفت که تخریب محیط‌زیست در ایران بر زندگی تمامی افراد خارج از این کشور اثر می‌گذارد؛ همان‌طور که تغییرات زیست‌محیطی در هر نقطه‌ای از جهان بر ایرانیان اثر خواهد داشت.



## تشکر و قدردانی

پژوهشگران، از عزیزانی که در فرآیند ویراستاری ادبی و صفحه آرایی این مقاله همکاری داشتند، کمال تشکر و امتنان را دارند.

## منابع

- بهرامی‌احمدی، مجید؛ علمخانی، اعظم (۱۳۹۲). تأملی بر جنبه‌های کاربردی دعاوی مسئولیت مدنی علیه دولت در قبال خسارت‌های زیست‌محیطی. مجله دانش حقوق عمومی، ۲(۵): ۱۰۲-۸۳. قابل بازیابی از:
- [http://mag.shora-rc.ir/article\\_33.html](http://mag.shora-rc.ir/article_33.html)
- بیگ‌زاده، ابراهیم (۱۳۷۹). سازمان‌های غیردولتی و حقوق بین‌الملل. مجله تحقیقات حقوقی. ۱(۳۱): ۱-۲۴. قابل بازیابی از:
- [https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article\\_56590.html](https://lawresearchmagazine.sbu.ac.ir/article_56590.html)
- جمشیدی، علیرضا (۱۳۹۰). سیاست جنایی مشارکتی. تهران. نشر میزان.
- حسینی، سید محمد (۱۳۸۶). سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- حیدری، نصرالله؛ جمشیدی، محسن (۱۳۹۵). نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت سیاسی در دوران‌های ریاست جمهوری خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. ۱۲(۳۶): ۱۵۲-۱۲۵. قابل بازیابی از:
- [http://psq.kiau.ac.ir/article\\_528863.html](http://psq.kiau.ac.ir/article_528863.html)
- دیناه، شلتون (۱۳۸۹). تشریفات و آیین دادرسی حقوق بین‌الملل محیط‌زیست. ترجمه محمدحسن حبیبی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران.
- رستمی، ولی (۱۳۸۶). مشارکت مردم در فرآیند کیفری (بررسی سیاست جنایی کشورهای غربی). فصلنامه حقوق. ۳۷(۲): ۱۷۱-۱۳۹. قابل بازیابی از:
- [https://jlq.ut.ac.ir/article\\_18725.html](https://jlq.ut.ac.ir/article_18725.html)
- رشیدپور، لقمان (۱۳۸۲). بررسی و تحلیل عملکرد تشکل‌های غیردولتی زیست‌محیطی در سال ۱۳۸۲. تهران. دفتر مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط‌زیست.
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۸۷). حضور سازمان‌های غیردولتی در پیشگاه مراجع قضایی بین‌المللی. فصلنامه حقوق. ۳۸(۲): ۱۷۲-۱۵۳. قابل بازیابی از:
- [https://jlq.ut.ac.ir/article\\_27082.html](https://jlq.ut.ac.ir/article_27082.html)
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۰). پیشگیری و سرکوب جرایم زیست‌محیطی در پرتو اقدامات سازمان‌های غیردولتی در نظام حقوقی ایران. مجله حقوقی دادگستری. ۷۵(۷۵): ۲۲۵-۱۹۹. قابل بازیابی از:
- [http://www.jlj.ir/article\\_11081.html](http://www.jlj.ir/article_11081.html)
- رضانی‌قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۴). مطالعه تطبیقی وضعیت حقوقی سازمان‌های مردم‌نهاد در ایران و فرانسه از تأسیس تا فعالیت. مجله مطالعات حقوق تطبیقی. ۶(۲): ۵۶۷-۵۴۱. قابل بازیابی از:
- [https://jcl.ut.ac.ir/article\\_55775.html](https://jcl.ut.ac.ir/article_55775.html)
- قاسمی، ناصر (۱۳۹۳). حقوق کیفری محیط‌زیست (مطالعه تطبیقی در حقوق ملی و بین‌المللی). تهران: انتشارات سازمان حفاظت محیط‌زیست.

- کوشکی، غلامحسین (۱۳۹۲). سازمان‌های غیردولتی از انفعال تا مشارکت رو به فعال در تعقیب دعوای عمومی (با نگاهی به قانون آیین دادرسی کیفری). مجله پژوهش حقوق کیفری. ۲(۴): ۸۶-۶۵. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/345050>

- گلشن‌پژوه، محمودرضا (۱۳۸۹). راهنمای سازمان‌های غیردولتی. تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

- لسانی، سیدبهباد؛ مشهدی، علی (۱۳۹۷). حفاظت از محیط‌زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چارچوب اصول هشتم (امر به معروف و نهی از منکر) و سی و چهارم قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دانش حقوق عمومی. ۸(۲۱): ۱۴۶-۱۲۵. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/400300>

- منصورآبادی، عباس (۱۳۸۷). تحولات مدیریت پیشگیری از جرم. فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. ۳(۸): ۳۴-۷. قابل بازیابی از:

<https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?ID=145638>

- مهدوی، محمود؛ آذر علی‌نژاد (۱۳۹۵). دموکراسی محیط‌زیستی؛ رویکرد مشارکتی در پاسخ به آسیب‌های محیط‌زیستی. مجله مطالعات حقوق کیفر و جرم‌شناسی دانشگاه تهران. ۳(۱): ۹۳-۱۱۰. قابل بازیابی از:

[https://jqclcs.ut.ac.ir/article\\_62411.html](https://jqclcs.ut.ac.ir/article_62411.html)

- مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۷۷). حقوق دادخواهی و دفاع در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مجله دیدگاه‌های حقوق قضایی. ۳(۹): ۱۴۸-۱۳۱. قابل بازیابی از:

<http://ensani.ir/fa/article/8232>

- وروایی، اکبر؛ محمدی، همت؛ نوریان، ایوب (۱۳۹۵). مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند کیفری. مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری. ۱۲(۲): ۷۳-۲۷. قابل بازیابی از:

[https://jlap.srbiau.ac.ir/article\\_9884.html](https://jlap.srbiau.ac.ir/article_9884.html)

- Tembo, F (2008). **Study on Capacity Development Support Initiatives & Patterns.** LCDF Research and Development Phase. Report for SNV Netherlands Development Organisation. October 2008. Overseas Development Institution.